اندیشکده صدرا

الگوی هوشمندسازی مالیات



شناسه متن: ۱۰۳۷/۰۵/ت

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۹/۰۱

عنوان:

الگوی هوشمندسازی مالیات

نوع متن: گزارش سیاستی

نگارش: دکتر رویا دعائی
همکار: دکتر داریوش ضرونی
ناظر: دکتر بشیر نداف

واژه‌های کلیدی:

هوشمندسازی – هوش مصنوعی – نظام حکمرانی

شروع مطالعه:
دی ۱۴۰۴

فهرست مطالب

چکیده ۳

بیان مسئله ۳

تحلیل وضعیت موجود ۴

وضعیت هوشمندسازی مالیات در ایران ۴

دستاوردهای اجرایی (گام‌های موفق) ۴

نیازمند توسعه و تکمیل: استفاده از هوش مصنوعی پیشرفته ۵

جایگاه فعلی سامانه مدیریت ریسک مالیاتی، نقطه‌شروع هوشمندسازی ۵

مزایا و چالش‌های هوش مصنوعی ۵

پیشنهادات ۶

۱-تکمیل دسترسی اطلاعاتی سازمان امور مالیاتی(بازه زمانی ۶ ماه) ۶

۲-تقویت زیرساخت‌های فنی و فناورانه(بازه زمانی۲ سال) ۶

۳-توانمندسازی سرمایه انسانی و فرهنگ‌سازی(بازه زمانی ۳تا ۵ سال) ۶

۴- اصلاح فرآیندهای مالیاتی مبتنی بر داده (بازه زمانی ۱ تا ۲ سال) ۷

۵- ایجاد نهاد متولی حکمرانی داده (بازه زمانی: ۲ تا ۳ سال) ۷

ارتباط الگوی پیشنهادی با خروجی‌های ملموس سیاستی ۷

۱-یکپارچه‌سازی داده‌ها و ایجاد زیرساخت اطلاعاتی ۷

۲-هوش مصنوعی و تحلیل داده ۸

۳-سامانه صورتحساب الکترونیکی هوشمند ۹

۴-شفافیت، فرهنگ‌سازی و اعتماد عمومی ۹

۵- اصلاح فرآیندهای مالیاتی مبتنی بر داده ۹

جمع‌بندی نهایی الگو ۱۰

چکیده

نظام مالیاتی ایران با چالش‌های ساختاری نظیر فرار مالیاتی گسترده، نبود شفافیت اطلاعاتی و پراکندگی داده‌ها میان دستگاه‌های مختلف مواجه است. با وجود اجرای قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان از سال ۱۳۹۸، همچنان شکاف قابل‌توجهی میان ظرفیت‌های فناورانه و سطح واقعی پذیرش شهروندان وجود دارد. این گزارش با هدف طراحی الگویی جامع برای هوشمندسازی نظام مالیاتی با تأکید بر یکپارچه‌سازی داده‌ها، افزایش شفافیت و تقویت اعتماد عمومی تدوین شده است.برای این منظور، پنج لایه اصلی شامل یکپارچه‌سازی داده‌ها، هوش مصنوعی و تحلیل داده، سامانه صورتحساب الکترونیکی هوشمند، شفافیت و اعتماد عمومی، و اصلاح فرآیندهای مالیاتی مبتنی بر داده شناسایی و تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که سازمان امور مالیاتی در حوزه هوشمندسازی، دستاوردهای قابل‌توجهی نظیر صدور ماهانه بیش از ۴.۶ میلیارد صورتحساب الکترونیکی، افزایش مؤدیان متصل از ۱۷۰۰ به ۳۸۵ هزار نفر، محاسبه سیستمی مالیات برای ۹۶ درصد مشاغل، و کاهش رسیدگی انسانی پرونده‌های اشخاص حقوقی از ۶۶ درصد به ۱۴ درصد داشته است. با این حال، پوشش ناقص اشخاص غیرتجاری، یکپارچگی ناکامل داده‌ها، ضعف در به‌کارگیری هوش مصنوعی پیشرفته و کمبود نیروی متخصص همچنان به‌عنوان چالش‌های اصلی باقی مانده‌اند.

بر این اساس، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران و مدیران سازمان امور مالیاتی، اجرای هم‌زمان و اولویت‌بندی‌شده پنج لایه اصلی این الگو را با تمرکز بر یکپارچه‌سازی داده‌ها و اصلاح فرآیندهای مالیاتی مبتنی بر داده در برنامه‌ریزی‌های خود قرار دهند. اجرای این الگو می‌تواند به افزایش شفافیت، کاهش فرار مالیاتی، افزایش درآمدهای پایدار دولت، بهبود کارایی نظام مالیاتی و تقویت اعتماد عمومی منجر شود.

بیان مسئله

سال‌هاست که نظام مالیاتی ایران با چالش‌های ساختاری نظیر فرار مالیاتی گسترده و نبود شفافیت اطلاعاتی دست‌وپنجه نرم می‌کند. با وجود اجرای قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان از سال ۱۳۹۸، هنوز بسیاری از روزنه‌های فرار مالیاتی مسدود نشده و نظام مالیاتی نتوانسته است به اهداف خود در حوزه شفافیت و عدالت مالیاتی دست یابد ، سازمان امور مالیاتی ایران در مسیر تحول دیجیتال با چالش‌های متعددی مواجه است که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به پراکندگی داده‌ها بین دستگاه‌های مختلف، نبود یکپارچگی کامل میان سامانه‌های اطلاعاتی، محدودیت در پوشش معاملات اشخاص غیرتجاری، ضعف در استفاده از هوش مصنوعی پیشرفته، و مقاومت فرهنگی و اجتماعی در برابر شفافیت‌سازی اشاره کرد. همچنین، دسترسی ناقص سازمان به منابع مالی و اطلاعاتی مؤدیان، از جمله حساب‌های بانکی، دارایی‌های غیرنقدی مانند طلا، ارز، ارزهای دیجیتال و املاک، و همچنین معاملات در فضای مجازی و تجارت الکترونیک، یکی از موانع اساسی در شناسایی دقیق فرار مالیاتی محسوب می‌شود. سؤال اصلی این گزارش آن است که چگونه می‌توان با طراحی الگویی

جامع برای هوشمندسازی نظام مالیاتی که بر یکپارچه‌سازی داده‌ها، افزایش شفافیت و تقویت اعتماد عمومی تأکید دارد، کارایی نظام مالیاتی را در شرایط بازسازی اقتصادی بهبود بخشید؟

تحلیل وضعیت موجود

چند سالی است که سازمان امور مالیاتی با اجرای سامانه مؤدیان، گام‌های خوبی برداشته است. طبق آخرین گزارش‌های این سازمان، تعداد مؤدیانی که صورتحساب الکترونیکی با جزئیات کامل صادر می‌کنند، از ۱۷۰۰ نفر به بیش از ۳۸۵ هزار نفر رسیده است .این یعنی حرکت به سمت شفافیت شروع شده است. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در گزارش خود تأکید کرده که ارسال الکترونیکی اظهارنامه ها به یک هنجار تبدیل شده و نرخ آن برای مالیات بر درآمد اشخاص به نزدیک ۹۰ درصد رسیده است. با این حال هنوز مشکلات جدی پا برجا هست ،داده ها بین دستگاهها پراکنده است اطلاعات دیر به دست سازمان می رسد و معاملات بسیاری از کسب و کارهای تجاری در سامانه ثبت نمی شود . چهار بعد اصلی برای حاکمیت داده شامل مدیریت داده، عوامل زیرساختی، عوامل سازمانی و عوامل مدیریتی است. در این میان، مدیریت کیفیت داده و مدیریت امنیت داده دارای بالاترین اولویت هستند.این دقیقاً همان چالشی است که سازمان همکاری اقتصادی و توسعه به آن اشاره کرده است: گذر از مدل سنتی که به مؤدیان برای استخراج و گزارش داده‌ها متـکی است، به مدل جدیدی که فرآیـندهای مالیاتی را در سیستـم‌های مودیـان جاسازی می کند .در سطح بین المللی کشورهای مختلف با چالش های مشابهی در حوزه نظام مالیاتی دست و پنجه نرم می‌کنند. گزارشی در سال ۲۰۲۵ نشان داده است که وقتی مردم پیام های سازمان مالیاتی را به خوبی متوجه می شوند چهار برابر بیشتر به آن سازمان اعتمادمی کنند .یکی از مهم‌ترین مشکلات فعلی نظام مالیاتی ایران، کار در جزایر جداگانه اطلاعاتی و نبود یکپارچگی میان پایگاه‌های داده مختلف است .بر اساس برنامه هفتم توسعه، دولت قصد دارد سهم مالیات از تولید ناخالص داخلی را به ۱۰ درصد برساند و ۸۰ درصد بودجه جاری را از درآمدهای مالیاتی تأمین کند. این هدف نشان‌دهنده ضرورت اصلاحات اساسی در نظام مالیاتی است.

وضعیت هوشمندسازی مالیات در ایران

دستاوردهای اجرایی (گام‌های موفق)

سازمان امور مالیاتی در سال‌های اخیـــر با اجرای سامانه مؤدیـان و صورتحساب الکترونیـکی، موفق به صـدور ماهـانه بیش از ۴.۶ میلیـارد صورتحساب و افزایش مؤدیان متصل از ۱۷۰۰ به ۳۸۵ هزار نفر شده است. همچنین محاسبه سیستمی مالیات برای ۹۶ درصد از مشاغل، کاهش رسیدگی انسانی پرونده‌های اشخاص حقوقی از ۶۶ درصد به ۱۴ درصد، راه‌اندازی موتور ریسک برای شناسایی مودیان پرریسک، اجرای طرح نشان‌دار کردن مالیات با مشارکت ۳۰۱ هزار مؤدی، ارائه اظهارنامه پیش‌فرض با رشد ۸۰ درصدی و راه‌اندازی درگاه ملی خدمات الکترونیک (مای‌تکس)، از دیگر دستاوردهای قابل‌توجه این سازمان محسوب می‌شوند.

نیازمند توسعه و تکمیل: استفاده از هوش مصنوعی پیشرفته

با وجود پیشرفت‌های مذکور، کماکان چالش‌هایی نظیر پوشش کامل اشخاص غیرتجاری، یکپارچگی کامل داده‌ها میان دستگاه‌های مختلف، استفاده از هوش مصنوعی پیشرفته و فرهنگ‌سازی و آموزش مؤدیان باقی مانده است که برای تحقق کامل هوشمندسازی نظام مالیاتی، نیازمند توجه ویژه و سرمایه‌گذاری جدی هستند.

جایگاه فعلی سامانه مدیریت ریسک مالیاتی، نقطه‌شروع هوشمندسازی

رئیس کل سازمان امور مالیاتی، اجرای ماده ۹۷ قانون مالیات‌های مستقیم را یکی از اولویت‌های جدی این سازمان عنوان کرده است. بر اساس این ماده، شاخص‌های ریسک تعریف و در سامانه مدیریت ریسک مالیاتی قرار داده شده‌اند و داده‌های بانک اطلاعاتی مودیان بر اساس این شاخص‌ها اجرا می‌شود. در نهایت، مودیان پرریسک که برآورد می‌شود حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد کل پرونده‌ها باشند شناسایی می‌شوند تا اظهارنامه‌های آنها با دقت بیشتری بررسی شود.

مزایا و چالش‌های هوش مصنوعی

تحلیل پیش‌بینی‌کننده: الگوریتم‌های هوشمند با تحلیل داده‌های تاریخی، قادر به پیش‌بینی رفتار آینده مؤدیان هستند و به سازمان مالیاتی امکان می‌دهند تا قبل از وقوع فرار مالیاتی، اقدامات پیشگیرانه انجام دهد.

تشخیص ناهنجاری‌ها: سیستم‌های هوشمند با تحلیل دقیق داده‌ها، الگوهای مشکوک و غیرعادی را در تراکنش‌های مالی شناسایی می‌کنند که نشان‌دهنده فرار مالیاتی یا تقلب است.

دسته‌بندی و اولویت‌بندی خودکار پرونده‌ها: با استفاده از الگوریتم هوشمند، پرونده‌های مالیاتی بر اساس سطح ریسک دسته‌بندی شده و پرونده‌های پرریسک برای رسیدگی دقیق‌تر به کارشناسان ارجاع داده می‌شوند.

کاهش خطاهای انسانی و افزایش سرعت: اتوماسیون فرآیندهای مالیاتی با استفاده از هوش مصنوعی، خطاهای انسانی را کاهش داده و سرعت رسیدگی به پرونده‌ها را به طور چشمگیری افزایش می‌دهد. با وجود مزایای فراوان، بهره‌گیری از هوش مصنوعی در نظام مالیاتی بدون چالش نیست

شفافیت الگوریتم‌ها: مؤدیان باید بتوانند از نحوه عملکرد سیستم‌ها مطلع شوند و در صورت لزوم، به تصمیمات اتخاذشده اعتراض کنند.

حفظ حریم خصوصی: پردازش حجم وسیعی از اطلاعات شخصی نیازمند چارچوب‌های قانونی و امنیتی قدرتمندی است.

کمبود نیروی متخصص: استفاده از هوش مصنوعی پیشرفته نیازمند نیروی انسانی ماهر در حوزه علوم داده و تحلیل داده‌های پیشرفته است که در سازمان امور مالیاتی کمبود وجود دارد.

پیشنهادات

۱-تکمیل دسترسی اطلاعاتی سازمان امور مالیاتی(بازه زمانی ٦ ماه)

- دسترسی به تمامی دارایی‌های مؤدیان شامل حساب‌های بانکی، طلا، ارز، ارزهای دیجیتال و املاک برای سازمان امور مالیاتی فراهم شود تا امکان شناسایی دقیق فرار مالیاتی و جلوگیری از پنهان‌کاری وجود داشته باشد.
- الزام به گزارش‌دهی جامع همراه با ضمانت اجرای قوی برای فعالان فضای مجازی و تجارت الکترونیک، به‌گونه‌ای که تمامی تراکنش‌ها (حتی غیرنقدی) ثبت و گزارش شوند.
- ایجاد پایگاه داده یکپارچه با اتصال سامانه‌های بانکی، گمرکی، ثبت اسناد و سایر نهادها به سامانه مؤدیان، بر اساس ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم .

*__مستندات علمی و تجربی:__ تجربه استونی، سنگاپور و مالزی نشان می‌دهد که اتصال سامانه‌ها و ایجاد پایگاه داده یکپارچه در صورت وجود اراده سیاسی، در کمتر از ۶ ماه قابل انجام است.

۲-تقویت زیرساخت‌های فنی و فناورانه(بازه زمانی۲ سال)

- توسعه سامانه‌های هوشمند تحلیل داده: سازمان امور مالیاتی باید با استفاده از الگوریتم‌های هوشمند، سامانه‌های تشخیص ناهنجاری و تحلیل ریسک را برای شناسایی فرار مالیاتی و اولویت‌بندی پرونده‌های پرریسک توسعه دهد.
- یکپارچه‌سازی کامل سامانه‌های اطلاعاتی: پراکندگی داده‌ها بین دستگاه‌های مختلف (بانک‌ها، گمرک، ثبت اسناد) یک چالش اساسی است ، اتصال کامل و یکپارچه این سامانه‌ها به سامانه مؤدیان، پیش‌نیاز اصلی هوشمندسازی است.
- استفاده از فناوری بلاک‌چین: برای ثبت شفاف و تغییرناپذیر تراکنش‌های مالی و کاهش تخلفات.

* __مستندات علمی و تجربی:__ براساس گزارش سازمان همکاری و توسعه ۲۰۲۵ سیستم هوشمند مالیاتی در کشورهای در حال توسعه بین ۱۸ تا ۳۶ ماه است.

۳-توانمندسازی سرمایه انسانی و فرهنگ‌سازی(بازه زمانی ۳تا ۵ سال)

- آموزش تخصصی کادر مالیاتی با هدف بکارگیری هوش مصنوعی و جذب نیروی متخصص در حوزه تحلیل داده، هوش مصنوعی و سیستم‌های اطلاعاتی
- فرهنگ‌سازی و افزایش سواد مالیاتی مؤدیان از طریق گسترش طرح نشان‌دار کردن مالیات و ساده‌سازی زبان ارتباطی

* __مستندات علمی و تجربی:__ براساس تجربه کره جنوبی، آلمان و کانادا، فرهنگ‌سازی مالیاتی و توانمندسازی سرمایه انسانی یک فرآیند تدریجی است و معمولاً ۳ تا ۵ سال زمان می‌برد تا نتایج پایدار آن آشکار شد.

٤- اصلاح فرآیندهای مالیاتی مبتنی بر داده (بازه زمانی ۱ تا ۲ سال)

- بازنگری در فرآیندهای تشخیص، وصول، رسیدگی و اعتراض مالیاتی با رویکرد داده‌محور
- کاهش رسیدگی‌های انسانی از ۶۶ درصد به زیر ۱۰ درصد تا پایان سال ۱۴۰۵

* **مستندات علمی و تجربی:** تجربه عملی در کشورهایی مانند لیتوانی و یونان و پاکستان نشان می دهد که اصلاح فرآیندهای مالیاتی با رویکرد داده محور با برنامه ریزی مناسب در بازه های زمانی ۱ تا ۲ ساله قابل انجام و به ثمر رسیدن است.

۵- ایجاد نهاد متولی حکمرانی داده (بازه زمانی: ۲ تا ۳ سال)

- نهاد متولی حکمرانی داده با حضور نمایندگان سازمان امور مالیاتی، بانک مرکزی، گمرک، وزارت اقتصاد و سایر دستگاه‌های مرتبط تشکیل شود.

* **مستندات علمی و تجربی:** تجربه کشورهایی مانند چین در تأسیس نهادهای استانی حکمرانی داده از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۳ و همچنین تجربه اخیر پاکستان در تأسیس شورای حکمرانی داده (۲۰۲۶) نشان می‌دهد که ایجاد نهادهای فرابخشی نیازمند هماهنگی بین دستگاهی و تصویب قوانین است و معمولاً ۲ تا ۳ سال زمان می‌برد.

ارتباط الگوی پیشنهادی با خروجی‌های ملموس سیاستی

الگوی پیشنهادی هوشمندسازی نظام مالیاتی زمانی می‌تواند از سطح یک چارچوب فناورانه فراتر رود که هر یک از مؤلفه‌های آن به یک خروجی مشخص و قابل سنجش در سطح سیاست‌گذاری و اجرا منجر شود. بر این اساس، ارتباط میان لایه‌های پنج‌گانه الگوی پیشنهادی و خروجی‌های ملموس سیاستی را می‌توان در قالب یک زنجیره سیاستی شامل «اقدام، خروجی و پیامد مورد انتظار» تبیین کرد. این رویکرد موجب می‌شود هوشمندسازی مالیاتی صرفاً به توسعه سامانه‌ها و زیرساخت‌های فناوری محدود نماند و به اصلاح قابل مشاهده در فرآیندهای مالیاتی منجر شود.

۱-یکپارچه‌سازی داده‌ها و ایجاد زیرساخت اطلاعاتی

در نخستین سطح، اتصال داده‌های بانکی، گمرکی، ثبتی و سایر داده‌های مرتبط به سامانه مؤدیان، خروجی ملموسی همچون ایجاد یک تصویر یکپارچه از وضعیت مالی و معاملاتی مؤدیان ایجاد می‌کند. نتیجه اجرایی این اقدام، افزایش امکان تطبیق اطلاعات، کاهش پراکندگی داده‌ها و فراهم‌شدن زمینه شناسایی موارد دارای ریسک مالیاتی است. بنابراین، خروجی سیاستی این لایه، حرکت از نظام اطلاعاتی جزیره‌ای به سمت نظام اطلاعاتی یکپارچه و داده‌محور است.

۲-هوش مصنوعی و تحلیل داده

استفاده از الگوریتم‌های تحلیل داده، تشخیص ناهنجاری و مدیریت ریسک، خروجی مشخصی در قالب شناسایی و اولویت‌بندی پرونده‌های پرریسک ایجاد می‌کند. در این حالت، منابع محدود کارشناسی می‌توانند بر پرونده‌هایی متمرکز شوند که بر اساس شاخص‌های ریسک نیازمند بررسی بیشتر هستند. این موضوع، ارتباط مستقیمی میان توسعه فناوری و اصلاح فرآیند تخصیص منابع در نظام مالیاتی ایجاد می‌کند و می‌تواند زمینه کاهش رسیدگی‌های انسانی و افزایش سرعت فرآیند رسیدگی را فراهم سازد.

الگوی هوشمندسازی مالیات (پیشنهادی)



۳-سامانه صورتحساب الکترونیکی هوشمند

الزام مؤدیان به ثبت و ارسال صورتحساب‌های الکترونیکی و تطبیق خودکار آنها با داده‌های مرتبط، می‌تواند به افزایش قابلیت رصد معاملات و کاهش وابستگی فرآیند مالیاتی به اطلاعات خوداظهاری منجر شود. خروجی ملموس این لایه، افزایش پوشش اطلاعات معاملاتی و فراهم‌شدن امکان کنترل سیستمی اطلاعات پیش از رسیدگی انسانی است. در نتیجه، فرآیند تشخیص مالیات می‌تواند به تدریج از اتکای بیشتر به رسیدگی‌های دستی به سمت کنترل‌های سیستمی حرکت کند.

٤-شفافیت، فرهنگ‌سازی و اعتماد عمومی

هوشمندسازی زمانی می‌تواند به تغییر پایدار در نظام مالیاتی منجر شود که با شفافیت ارتباطی و افزایش سواد مالیاتی مؤدیان همراه باشد. استفاده از ظرفیت طرح نشان‌دار کردن مالیات، ساده‌سازی ارتباطات و افزایش دسترسی مؤدیان به اطلاعات، می‌تواند خروجی‌هایی مانند افزایش آگاهی مؤدیان، بهبود تعامل با سازمان امور مالیاتی و تقویت مشارکت در فرآیندهای مالیاتی ایجاد کند. بنابراین، اعتماد عمومی در این الگو صرفاً یک پیامد کلی نیست، بلکه بخشی از زنجیره اجرای سیاست هوشمندسازی محسوب می‌شود.

٥- اصلاح فرآیندهای مالیاتی مبتنی بر داده

تغییر فرآیندهای تشخیص، وصول، رسیدگی و اعتراض بر مبنای داده‌های موجود در سامانه‌های اطلاعاتی، خروجی ملموس دیگری از الگوی پیشنهادی است. در این سطح، هدف صرفاً دیجیتالی‌کردن فرآیندهای موجود نیست، بلکه بازطراحی فرآیندها به نحوی است که تصمیم‌های مالیاتی بیشتر بر اطلاعات و شاخص‌های قابل تحلیل استوار شوند. یکی از شاخص‌های قابل سنجش در این زمینه، کاهش سهم رسیدگی‌های انسانی و افزایش سهم رسیدگی‌های مبتنی بر کنترل‌های سیستمی است.

بر این اساس، خروجی‌ها در نهایت می‌توانند زمینه دستیابی به اهداف کلان‌تری مانند افزایش کارایی نظام مالیاتی، کاهش زمینه‌های فرار مالیاتی، افزایش درآمدهای پایدار و بهبود شفافیت را فراهم کنند.

بنابراین، ارزش سیاستی الگوی پیشنهادی در این است که میان سرمایه‌گذاری فناورانه و تغییرات قابل مشاهده در عملکرد نظام مالیاتی ارتباط برقرار می‌کند. به عبارت دیگر، معیار موفقیت هوشمندسازی صرفاً تعداد سامانه‌های ایجادشده یا حجم داده‌های جمع‌آوری‌شده نیست، بلکه میزان تبدیل این ظرفیت‌های فناورانه به تغییرات قابل اندازه‌گیری در فرآیند تشخیص، رسیدگی، وصول، نظارت و تعامل با مؤدیان است. از این منظر، الگوی پیشنهادی می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب اجرایی برای تبدیل اهداف کلی هوشمندسازی به خروجی‌های مشخص و قابل ارزیابی سیاستی مورد استفاده قرار گیرد.

ارتباط پنج لایه الگوی پیشنهادی با خروجی‌های ملموس سیاستی

لایه الگوی پیشنهادی	اقدام سیاستی	خروجی ملموس سیاستی	شاخص قابل ارزیابی	پشتوانه
۱–یکپارچه‌سازی داده‌ها	اتصال بانک، گمرک، ثبت اسناد و سایر نهادهای مرتبط به سامانه مؤدیان	ایجاد دسترسی یکپارچه به اطلاعات مالی و معاملاتی و کاهش پراکندگی داده‌ها	میزان اتصال و تبادل داده میان دستگاه‌های مرتبط	OECD (2025)
۲–سامانه صورتحساب الکترونیکی هوشمند	الزام مؤدیان به ثبت صورتحساب و تطبیق خودکار اطلاعات با داده‌های مرتبط	افزایش پوشش اطلاعات معاملات و فراهم‌شدن امکان کنترل و پردازش سیستمی اطلاعات	میزان پوشش مؤدیان و معاملات ثبت‌شده در سامانه	OECD (2022, 2025)
۳–هوش مصنوعی و تحلیل داده	استفاده از تحلیل داده، تشخیص ناهنجاری و ارزیابی ریسک	شناسایی و اولویت‌بندی مؤدیان و پرونده‌های پرریسک و هدفمندشدن رسیدگی‌ها	سهم پرونده‌های اولویت‌بندی‌شده بر اساس شاخص‌های ریسک	OECD (2025)
۴–شفافیت و اعتماد عمومی	اجرای طرح نشان‌دار کردن مالیات، فرهنگ‌سازی و ساده‌سازی ارتباطات با مؤدیان	افزایش تعامل، آگاهی و دسترسی مؤدیان به اطلاعات و خدمات مالیاتی	میزان مشارکت مؤدیان و استفاده از خدمات الکترونیکی	OECD (2025)
۵–اصلاح فرآیندهای مالیاتی	بازنگری فرآیندهای تشخیص، وصول، رسیدگی و اعتراض با رویکرد داده‌محور	افزایش سهم فرآیندهای سیستمی و کاهش وابستگی به رسیدگی انسانی	کاهش رسیدگی‌های انسانی از ۶۶ درصد به زیر ۱۰ درصد	هدف پیشنهادی گزارش حاضر

جمع‌بندی نهایی الگو

الگوی هوشمندسازی مالیات یک نظام پنج‌لایه است که از یکپارچه‌سازی داده‌ها در پایین‌ترین سطح شروع می‌شود و به اصلاح فرآیندهای مالیاتی در بالاترین سطح ختم می‌شود. موفقیت این الگو در گرو اجرای هم‌زمان و هماهنگ تمامی مؤلفه‌ها و توجه به چالش‌های هر لایه است. اجرای این الگو می‌تواند به افزایش شفافیت، کاهش فرار مالیاتی، افزایش درآمدهای پایدار دولت، بهبود کارایی نظام مالیاتی و تقویت اعتماد عمومی منجر شود.